



مروری بر وضعیت تالاب های

کشور و حقایق آنها

کمیسیون آب، محیط زیست و اقتصاد سبز

دبیرخانه کمیسیون های تخصصی

عنوان گزارش: مروری بر وضعیت تالاب های کشور و حقایق آنها
کمیسیون: آب، محیط زیست و اقتصاد سبز
تهیه کننده: عباسقلی جهانی
انتشار: دبیرخانه کمیسیون های تخصصی اتاق ایران
شماره گزارش: ۰۱۹۵۷۳
بهمن ۹۵

فهرست مطالب

شماره صفحه	عنوان
۳	۱- مقدمه
۵	۲- برخی ارقام و واقعیت ها (Facts and figure)
۶	۳- آسیب شناسی پدیده تخریب تالاب های کشور
۷	۴- مروری بر حقایق تالاب ها و شیوه محاسبه و تأمین آن ها
۹	۵- چه باید کرد؟

عکس ها

۴	عکس شماره ۱ وضعیت تالاب های مشترک ایران و عراق در جنوب
۴	عکس شماره ۲ وضعیت دریاچه اورمیه در سال های مختلف

چکیده:

در این مقاله با توجه به ارزش های تالابهای کشور از ابعاد مختلف و ضرورت حفاظت از آنها برای تامین تداوم عملکرد این اکو سیستم ها ، ابتدا تلاش شده با درج ارقام و اطلاعات لازم تصویری از وضعیت تالابهای کشور که بخش اعظم آنها یا تخریب شده و یا در معرض نابودی قرار دارند ارایه شده و سپس با آسیب شناسی دلایل فرایند تخریب به اصلی ترین موضوع حفاظت از تالابها که همان تامین حلقه های آنها است پرداخته شود. بالاخره در انتهای نوشته، دیدگاههای اتاق ایران برای برون رفت از شرایط حکم تبیین گردیده است.

۱- مقدمه

تالاب ها بسیاری از نیازهای اولیه جوامع انسانی پیرامونی خود از جمله تامین آب، غذا، پالایش محیط، محافظت سیلاب ها و طوفان ها را پاسخ می دهد پشتیبانی کننده بسیاری از نیاز های ثانویه ی بشری از جمله اکوتوریسم و زیبایی شناسی می باشند. تالاب ها به عنوان کانون های تجمع و ذخیره ی آب در فلات خشک کشورمان جایگاه ویژه ای دارند. همزیستی با تالاب اثر عمیق خود را در اقتصاد، آداب و رسوم و فرهنگ ایران زمین بجای گذاشته است. از میان ارزشهای اقتصادی متعدد تالابها، می توان به حفظ ذخایر گیاهی، جانوری، آبرزی پروری، تولید محصولات کشاورزی، تولید چوب، تامین انرژی، تولید مواد لجنی و گیاهی و همچنین کاربردهای تفریحی و گردشگری اشاره کرد. علاوه بر آن تالابهای کشور به عنوان بخشی از میراث فرهنگی نیز محسوب می شوند. متأسفانه در سال ها و دهه های اخیر با تشدید تخریب و خشک شدن تالاب های کشور شاهد سقوط و نابودی این ارزش ها در ابعاد مختلف هستیم. بدون تردید ادامه روند موجود کشور را در آستانه یک فاجعه ی زیست محیطی بزرگ و گسترده قرار خواهد داد که آثار و تبعات آن نه تنها دامنگیر اقتصاد، بلکه می تواند به ایجاد تنش های اجتماعی غیر قابل مهار در نسل حاضر و آینده منجر گردد.

در این نوشته سعی می شود که ضمن آسیب شناسی دلایل کلی ورود کشور به این ورطه خطرناک و جدی، وجه مربوط به تامین نیاز های آبی تالابهای کشور وسهم و وزن آنها از کل منابع آب تجدید شونده با توضیحات بیشتری همراه گردد.

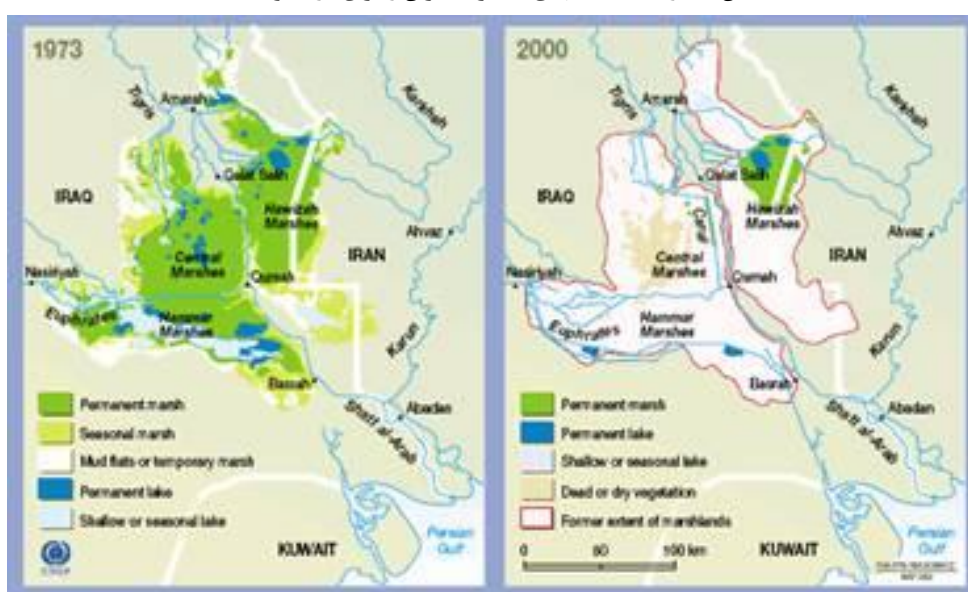
۲- برخی ارقام و واقعیت ها (Facts and figure):

- وسعت تالاب های جهان معادل ۵۷۰ میلیون هکتار است که در حدود ۶ درصد مساحت خشکی های کره زمین را شامل می شود [۴].
- ارزش اقتصادی تالاب های جهان مساوی ۹۴۰۰ میلیارد دلار در سال برآورد می شود [۵].
- مطابق اطلاعات فوق ارزش اقتصادی یک هکتار از اراضی تالابی معادل ۱۶۵۰۰ دلار برآورد می گردد در حالیکه این ارزش تا ۳۰۰۰۰ دلار نیز در منابع مختلف ذکر گردیده است [۹].
- ارزش اقتصادی هر هکتار از تالاب ها ۱۰ برابر هر هکتار جنگل و تا ۲۰۰ برابر زمین های زراعی عنوان می گردد [۹].
- در ایران ۲۵۰ تالاب با وسعت حدود ۲/۵ میلیون هکتار وجود دارد [۲].
- از بین تالاب های مذکور ۸۴ تالاب با اهمیت بین المللی شناسایی شده که حدود ۳۵ تالاب در قالب ۲۴ عنوان با مساحت حدود ۱/۴۸ میلیون هکتار به کنوانسیون بین المللی رامسر معرفی گردیده است و هم اکنون تعداد قابل توجهی از آنها یا به طور کلی نابود شده و یا در معرض خطر و تهدیدات جدی می باشند [۳].
- حدود ۷۰ درصد تالاب های کشور یا خشک شد و یا با کمبود شدید آب ورودی برای ادامه حیات مواجه می باشند [۹].
- از نظر ورود آلودگی ها به تالاب ها، کشور ایران در بین ۱۷۸ کشور رتبه ی ۱۲۴ را دارد [۹].
- با خشک شدن تنها دریاچه هامون حدود ۷۰۰۰۰ فرصت شغلی از بین رفته است [۹].
- بر اساس گزارش بانک جهانی، ایران سالانه نزدیک به ۹ درصد درآمد ناخالصی ملی خود یعنی حدود ۸۰۰۰۰ میلیارد ریال را در اثر خسارت های زیست محیطی از دست می دهد که بخش مهمی از آن سهم تالاب ها می باشد [۹].
- خشک شدن دریاچه اورومیه پایداری زندگی و حیات بیش از ۵ میلیون نفر از ساکنین این حوضه آبریز را به طور مستقیم و میلیون ها نفر از ساکنین کشور در سایر مناطق را به طور غیر مستقیم در معرض مخاطرات جدی از ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و سلامت قرار داده است [۶].
- در سال ۱۳۸۹ ایران یکی از ۱۰ کشور تخریب کننده محیط زیست در دنیا معرفی شده است [۹].

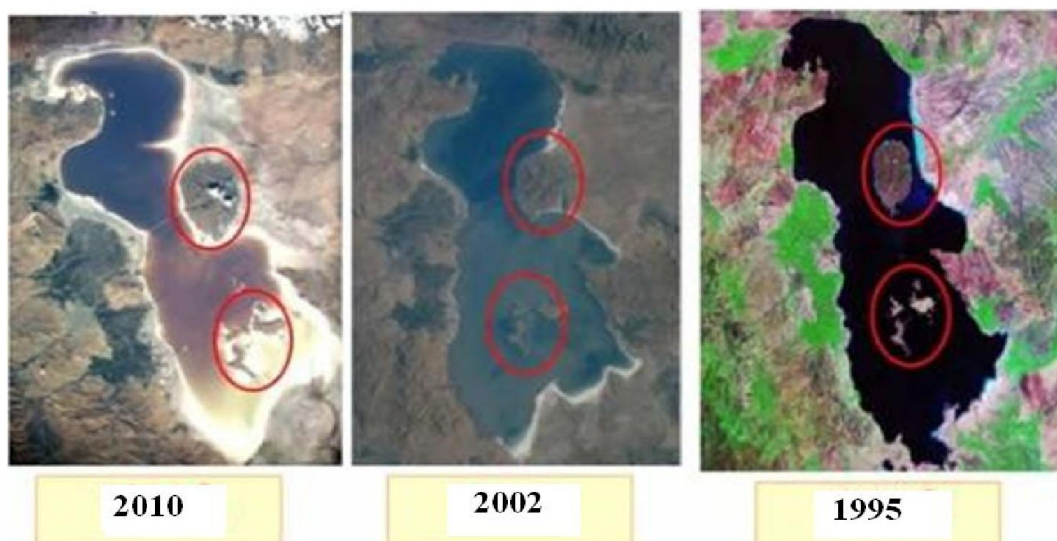
توجه و تعمق در اعداد و ارقام مذکور، عمق فاجعه را بخوبی و وضوح نشان می دهد و نیازی به توضیحات، تعبیر و تفسیر و تجزیه و تحلیل آنها نیست، آن ها حقایقی هستند که وضع تالاب های کشور را به روشنی بیان می نمایند، برای اطلاع بیشتر واقعیت ها تنها به عنوان نمونه عکسهای شماره (۱) و (۲) که به ترتیب مربوط به تالاب های مشترک ایران و عراق در منطقه مرزی جنوب کشور و دریاچه ارومیه می باشد، ارائه می گردد. برنامه محیط زیست سازمان ملل که در گزارش خود تحت عنوان ((تالاب های بین النهرین)) عکس شماره (۱) را چاپ نموده، اذعان می کند که فاجعه ای که در منطقه بین النهرین به وقوع پیوسته و ما امروزه تنها شاهد بخشی از تبعات آن به صورت ریزگردها که قسمت های مهمی از کشور را تحت تاثیر قرار می دهد هستیم، فاجعه ای در مقیاس دریاچه اورال می باشد. عکس مذکور وضعیت تالاب های جنوبی واقع در انتهای رودخانه کرخه، دجله و فرات را در مقطع زمانی ۱۹۷۳ و ۲۰۰۰ یعنی کمتر از دو دهه نشان می دهد.

در عکس شماره (۲) نیز شرایط دریاچه ارومیه در مقاطع زمانی ۱۹۹۵ و ۲۰۱۰ یعنی در طول ۱۵ سال نمایان می سازد. البته وضعیت این دریاچه در سال های بعد (جز سال آبی ۹۵-۹۴ که به دلیل وقوع بارش های قابل ملاحظه و برخی از اقدامات احیایی اندکی بهبود یافته) حتی از وضعیت سال ۲۰۱۰ نیز بدتر گزارش شده است.

عکس (۱): وضعیت تالاب های مشترک ایران و عراق در جنوب [۷]



عکس (۲): وضعیت دریاچه ارومیه در سال های مختلف [۶]



۳- آسیب شناسی پدیده تخریب تالاب های کشور

شاید اصلی ترین و موثرترین مولفه در موضوع تخریب تالاب های کشور، به نگرش و پارادایم حاکم بر چگونگی توسعه در کشور بر می گردد. در یک جمع بندی کلی می توان گفت که با کمال تاسف بنیانهای توسعه در کشور برمبانی زیر استوار است:

- ✓ بخشی نگری به جای بکارگیری دیدگاه های یکپارچه و سیستمی
- ✓ مدیریت فن سالار بجای ملاحظه کلیه ارزش ها در فرایند برنامه ریزی و اجرا
- ✓ تصمیم گیری متمرکز و تحکمی به جای ایجاد تعاملات رفت و برگشتی
- ✓ برنامه ریزی نقطه ای به جای ملحوظ نمودن حوضه های آبریز به عنوان واحدهای اصلی برنامه ریزی در کشور
- ✓ نگاه تجریدی و انتزاعی به منابع طبیعی به جای لحاظ اثرات متقابل بهره برداری از آنها بر پایداری
- ✓ فقدان یا سست بودن برنامه های آمایش در سرزمین به عنوان نیروی محرکه و موتور اصلی در شکل گیری فضائی فعالیتها در بخش های مختلف با لحاظ کلیه امکانات، محدودیت ها و ظرفیت های طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی

اگر چه با هزینه کرد منابع هنگفت از منابع مالی کشور در نقاط مختلف، مستحدثاتی ایجاد و از این طریق ممکن است ارتقای رفاه و سطح زندگی بطور نقطه ای و منطقه ای محقق شده باشد لکن چنین فرایندی را که فاقد یکپارچگی و انسجام می باشد در واقع نمی توان «توسعه» نامید بلکه گذاشتن عنوان "عمران نقطه ای" شاید با مسماتر باشد. لذا ادامه وضع موجود بدون ایجاد تغییرات در شیوه نگاه به مقوله توسعه، بدون تردید به وضعیت ناپایدارتر نیز منجر خواهد شد که تخریب منابع طبیعی و تالاب ها که بیشتر مورد نظر این نوشته می باشد از آثار و تبعات چنین برخوردی به شمار می رود.

تالابها معمولا به دلیل واقع شدن محل جغرافیایی آنها در بخش های سفلی و انتهایی حوضه های آبریز، یکی از آسیب پذیرترین اکوسیستم ها محسوب می شوند. زیرا آثار و تبعات هر گونه فعالیت های عمرانی و توسعه ای در بخش های علیای حوضه، بطور مستقیم و غیر مستقیم در پایداری و یا تشدید تخریب آنها اثرگذار می باشد. در واقع می توان گفت که جور بخش مهمی از فعالیت های توسعه ای و یا عمرانی را تالاب های کشور به تنهایی به دوش می کشند.

با عنایت به آنچه گفته شد عوامل اصلی تخریب تالابها را از منظر عملیاتی، منبعث از شیوه تفکر و پارادایم های حاکم برای توسعه، می توان به شرح زیر خلاصه نمود:

- کاهش چشمگیر جریان های ورودی به تالابها شامل آب های سطحی و زیرزمینی در مقایسه با شرایط طبیعی و تراز اکولوژیکی آنها، با تکیه بر برداشت های بی رویه و خارج از ظرفیت کل حوزه آبریز از طریق ایجاد سدهای مخزنی و تونل های انتقال آب، توسعه کشاورزی و ایجاد مراکز مصرف آب
 - نادیده گرفتن حبابه و سهمیه زیست محیطی تالاب ها و اکوسیستم های طبیعی
 - اجرای طرح های عمرانی و تأسیسات زیر بنایی نظیر راه، فرودگاه، تأسیسات نفتی و سایر مستحدثات بدون در نظر گرفتن اثرات منفی این نوع اقدامات در ادامه حیات و پایداری تالابها
 - تخلیه پساب های ناشی از فعالیت های صنعتی، شهری و کشاورزی بدون هیچ گونه اقدامات (یا اقدامات کم اثر) تصفیه ای که توأم با آلاینده های گسترده بیولوژیکی، شیمیایی و فیزیکی می باشند.
 - تغییر کاربری اراضی تالابی را برای فعالیت های مختلف
 - برداشت بی رویه و خارج از ظرفیت پذیری از منابع و محصولات تالابی
- در کنار عوامل مذکور می توان به موضوع تغییر اقلیم و اثرات بلاتردید و مستقیم آن در حیات تالابها اشاره نمود که بدون ایجاد مدیریت تطبیقی در حکم تیر آخر برای خاتمه حیات این محیط های آبی باید تلقی شود

۴- مروری بر حقایق های تالابها و شیوه محاسبه و تأمین آنها

بدون تردید مهم‌ترین و اصلی‌ترین مؤلفه در پایداری حیات تالابها مربوط به محاسبه و تأمین حقایق های این محیط‌های آبی است. در واقع کاهش و یا قطع حقایق ها و جریان‌های ورودی به تالابها را به منزله شروع مرگ تالاب باید تلقی نمود و عوامل دیگر که در این نوشته آمده تشدید کننده شرایط خواهند بود. مروری بر اسناد و مدارک و مستندات وزارت نیرو به‌عنوان متولی امور آب کشور و سازمان حفاظت محیط‌زیست به‌عنوان متولی حفاظت از محیط‌زیست، نشان می‌دهد که هیچ‌گونه پایگاه اطلاعاتی که بتوان با مراجعه به آن به چند سؤال زیر در مورد تالابها رسید وجود ندارد:

- شیوه و دستورالعمل محاسبه نیازهای آبی تالاب‌های کشور چگونه است و به تائید و تصویب کدام مرجع رسیده است؟
- میزان حقایق سالانه تالابها و توزیع زمانی آن درباره ۲۵۰ تالاب کشور و یا ۳۸ تالاب مندرج در کنوانسیون رامسر به چه ترتیب می‌باشد؟
- آیا برای تأمین حقایق های تعیین‌شده که باید رسمیت لازم را نیز داشته باشد دستورالعمل خاصی وجود دارد؟ آیا در تخصیص منابع آب در طرح های توسعه جایگاه خاصی برای این نوع حقایق ها تعیین شده است؟ نظارت بر تأمین آنها به عهده کدام دستگاه و سازمان می‌باشد؟

- شیوه پایش حقایق های تالاب‌های کشور چه سازوکاری دارد و متولی آن کدام نهاد و یا سازمان می‌باشد؟
- بدیهی است که تعیین پاسخ به سؤالات فوق پیش‌نیازهای اولیه در حفظ، احیاء و تأمین پایداری حیات تالابها را تشکیل می‌دهد و بدون چنین ابزارهایی چگونه می‌شود که گام‌های اولیه و محکم را در مدیریت تالاب‌های کشور برداشت. در اینجا لازم می‌داند که به چند نکته مهم زیر در ارتباط با موضوع اشاره شود:

الف- وزارت نیرو در اواسط سال ۱۳۹۴ طی گزارشی تحت عنوان «حجم آب قابل‌برنامه‌ریزی برای مصارف مختلف» به تفکیک حوزه‌های آبریز درجه‌دو کشور، مصارف زیست‌محیطی آب در سطح ملی را رقمی در حدود ۱۱ میلیارد مترمکعب اعلام می‌نماید. لیکن از بررسی ارقام و اعداد مندرج در گزارش مذکور چنین برمیآید که موضوع حقایق زیست‌محیطی رودخانه‌ها در پیکره اصلی آنها با موضوع نیازهای زیست‌محیطی تالاب‌های کشور تداخل پیدا نموده است. به‌طور مثال برای تالاب جازموریان تنها ۲۳ میلیون مترمکعب در سال حقایق در نظر گرفته‌شده است که به مفهوم فرمان نابودی رسمی این تالاب باید تلقی گردد و یا اینکه برای هامون‌ها تنها ۷۰ میلیون مترمکعب حقایق در نظر گرفته‌شده است که در مقابل نیازهای واقعی احیای آن تقریباً صفر می‌باشد و اگر چنانچه نیازهای واقعی این تالاب باید از خارج از کشور و از طریق رودخانه هیرمند تأمین شود، به چه دلیل میزان آن در گزارش ذکر نشده است؟ یا اینکه برای دریاچه ارومیه رقمی در حدود ۲۶۰۰ میلیون مترمکعب در نظر گرفته‌شده است درحالی‌که نیازهای اکولوژیکی آن نزدیک ۳۱۰۰ میلیون مترمکعب می‌باشد [۸]. از این نوع ابهامات در گزارش تهیه‌شده به وفور یافت می‌شود و به نظر نمی‌رسد که معیار و یا ضوابط مشخصی برای محاسبه نیازهای تالابها (و نه نیازهای زیست‌محیطی پیکره رودخانه‌ها) موردتوجه و عمل قرار گرفته باشد.

ب- به دلیل خشک شدن تعداد قابل‌ملاحظه‌ای از تالاب‌های کشور و یا در حالت تخریب جدی قرار گرفتن تعداد دیگر، هم‌اکنون تالاب‌های کشور با کمبود شدید حجم اکولوژیک مواجه می‌باشند. به‌طور مثال دریاچه ارومیه تا رسیدن به مرز حجم اکولوژیک خود به حدود ۱۵۰۰۰ میلیون مترمکعب آب نیاز دارد که این رقم معادل ۶ برابر حقایق سالانه یا نیاز تعیین‌شده توسط وزارت نیرو می‌باشد. این موضوع در مورد تقریباً کلیه تالاب‌های کشور نظیر هوزالعظیم، جازموریان، گاوخونی، پریشان، مهارلو و ... نیز صدق می‌کند. بنابراین ضروری است که طی یک پیمایش صحیح و قابل‌اتکا، کمبود نیاز حجمی کلیه تالاب‌های کشور برآورد گردد تا این رقم یک شاخص اصلی را برای برنامه‌ریزی و مدیریت تالابها، احیاء و بازسازی آنها قرار گیرد. متأسفانه چنین رقمی در سطح کلیه تالاب‌های کشور گزارش نشده و معلوم نیست متولی ارزیابی آن چه دستگاه و نهادی می‌باشد. برآوردهای اولیه و خوش‌بینانه نشان می‌دهد که کمبود حجم تالابها شاید رقمی بالغ بر ۶۰-۵۰ میلیارد مترمکعب می‌باشد که معلوم نیست این کمبود حجم چگونه و از چه روش‌هایی و در چه مقاطع زمانی می‌توانند تأمین گردد.

ج- صرف اعلام رقمی در مورد نیازهای زیست‌محیطی به‌هیچ‌عنوان کافی به مقصود نیست زیرا برای تضمین تأمین چنین نیازی سازوکار مشخصی تعریف‌نشده است. بدیهی است بدون پایه‌گذاری چنین مکانیسمی و تعیین شیوه پایش و نظارت، ارقام تعیین و اعلام‌شده در حد یک مستند غیر عملیاتی باقی خواهد ماند که دردی از تالاب‌های تخریب‌شده و در حال احتضار درمان نخواهد نمود.

۵- چه باید کرد؟

سوال این است که اصولاً چرا و به چه دلیل باید شاهد چنین بحرانی در وضعیت تالابهای کشور می بودیم که امروز چنین سوالی می کردیم؟ بدون تردید و به گونه ای که بطور مختصر در بخش‌های قبلی آمده است علی‌رغم اینکه کشور ما از پیشگامان و بنیان گذاران کنوانسیون رامسر برای حفاظت و بهره برداری پایدار از تالابها بوده و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان اسناد بالادستی بسیار محکم به موضوع حفظ محیط زیست تاکید شده است، لکن به دلیل برخی از اشتباهات و غفلت‌های استراتژیک در فرایند برنامه‌های عملیاتی و اجرایی، نقش و ارزش‌های اقتصادی و زیست محیطی تالابهای کشور عملاً نادیده گرفته شده و از آنجائیکه تالابها در بخشهای انتهایی حوزه‌های آبریزها قرار دارند، اثرات تجمعی این غفلت‌های تاریخی در عمل به تالابهای کشور منتقل و تحمیل گردیده است. بنابراین در پاسخ به سوال مطرح شده درصدد این بخش از نوشته اولین اقدام اصلی و زیربنایی این است که با واقع بینی و دور از بخشی‌نگری، باید در تهیه و تدوین و عملیاتی کردن برنامه‌های توسعه آبی، با آسیب شناسی صحیح و منطقی از گذشته و درس آموزی از آنها، به شکل کاملاً واضح و مشهود از اشتباهات و غفلتهای گذشته اجتناب شود و در کنار آن برای احیا و بازسازی ارزشهای از دست رفته اقدامات مقتضی به عمل آید لذا به نظر می رسد که کارهای اساسی در این زمینه باید حول دو محور اصلی زیر متمرکز گردد:

الف: تهیه و تدوین برنامه استراتژیک برای مدیریت تالابها

در اولین گام این سند بایستی به شکل قانونی به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، این سند بایستی با بهره گیری از تجربیات تلخ گذشته، متضمن باید و نبایدها و چگونگی اعمال محدودیت لازم در فرایند توسعه کشور به نحوی که پایداری حیات تالابها را تضمین نماید، تهیه شده و چشم انداز و سیاستهای کلان و جامع نگر را با اتکا به اسناد بالادستی موجود تدوین گردد. به عبارت دیگر این سند یک نقشه راه کلان را برای احیاء تالابهای کشور مشخص نموده و پایه‌های لازم را برای تهیه و تدوین برنامه‌های عملیاتی مناسب به اتکای آن فراهم نماید. پیشنهاد می‌شود که تهیه این سند با محوریت سازمان حفاظت محیط زیست کشور به عهده خبرگان و کارشناسان مستقل از بخش‌های مختلف توسعه گذاشته شده و به عنوان یک قانون رسمی مورد استناد و عملیاتی شدن قرار گیرد.

در این سند بایستی چارچوب اقدامات و سیاستهای کلان ملی مدیریت تالابهای مشترک با سایر کشورها نیز مشخص گردد.

ب: تهیه و تدوین برنامه ملی احیا و بازسازی تالابها:

این برنامه بایستی در سطح ملی و شامل کلیه تالابها اعم از تخریب شده و یا در معرض تهدید تهیه گردیده و در تدوین آن به استناد گزارشات ارزیابی وضع موجود، اولویتهای مبتنی بر شاخص‌های احیاء، ملحوظ شده و بصورت پروژه محور متضمن برنامه مالی، برنامه زمانی، نهادهای مسئول و پاسخگو، شیوه تدارک ظرفیتهای مورد نیاز به ویژه تجهیز و ارتقای همکاری و مشارکت مردم طراحی شده و از طریق شاخص‌های پایشی و نهادهای ناظر کاملاً اثرگذاری آن قابل ارزیابی باشد.

شایان ذکر است که بدون برخورداری از چنین برنامه‌ای در سطح ملی، اقدامات انتزاعی و یا انتخابی هر اندازه که مقرون به موفقیت موردی نیز باشد، نمی‌توانند مشکل تالاب‌ها را بر طرف نماید. بطور مثال اگر چه سازماندهی برای ایجاد ستاد بازسازی و احیای دریاچه ارومیه فی نفسه کار مهم و با ارزشی تلقی می‌گردد ولی سوال این است که تکلیف بقیه تالاب‌های کشور چه خواهد شد؟ آیا احیا و بازسازی تالاب‌هایی نظیر: هورالعظیم، جازموریان، هامون‌ها و ... هیچگونه جایگاهی در سطح ملی ندارد؟ و اولویت پرداختن به آن‌ها بر اساس کدام شاخص باید سنجیده شود و به چه دلیل برای چنین تالاب‌هایی ستاد احیا و بازسازی تشکیل نمی‌شود؟

بدون تردید وجود یک برنامه ملی که با اتکا به شرایطی که درج گردید تهیه شده باشد، می‌تواند پاسخگوی سوالات فوق باشد. ذکر این نکته ضروری است که در تهیه و تدوین برنامه‌های عملیاتی بایستی بین تهیه کننده برنامه، مجری و نظارت تفکیک قائل شده و تداخل مسئولیت‌ها و یا تجمیع آنها در یک نهاد، ناقض اصول، مبانی و مفاهیم رایج در چرخه مدیریت و برنامه ریزی محسوب خواهد شد. ضمناً جایگاه و چگونگی تضمین و تامین حقایق‌های زیست محیطی تالاب‌ها که بایستی بر اساس ضوابط و معیارهای مورد مفاهمه در سطح ملی و با استفاده از توصیه‌ها و مبانی بین‌المللی تعیین گردد و شیوه پایش عملکرد مدیریت آب کشور به استناد چارچوب و شاخص‌های تعریف شده نیز بایستی در برنامه‌های ملی احیا و بازسازی لحاظ گردد.

در خاتمه در پاسخ به این سوال که آیا در حال حاضر هیچ برنامه ای برای احیا و بازسازی تالاب های کشور وجود ندارد که در این نوشته در مورد تهیه آن تاکید شده است؟ باید اشاره شود که بررسی های انجام شده نشان می دهد که هرچند برخی اقدامات و پروژه های پراکنده حتی با پشتیبانی مالی و فنی نهادهای بین المللی در جریان است، لکن مجموعه این فعالیت ها را اگرچه در حد خود مفید می باشند نمی توان از ابعاد مختلف مولفه های یک برنامه ملی به مفهوم پذیرفته شده آن و متناسب با نیازهای واقعی برای مقابله و مواجهه با بحران پدیدار شده تلقی کرد.

۶- منابع و مراجع

- ۱- ویژه نامه شرق، بحران آب در ایران، شهریور ماه ۱۳۹۴
- ۲- مسعود باقرزاده کریمی، عوامل ناپایداری تالابهای ایران، www.iranwetland.belogfa.com
- ۳- مستندات مندرج در سایت سازمان حفاظت محیط زیست www.doe.ir
- 4- Ramsar Convention on Wetlands, Ramsar Information Paper, No.1
- 5- Estimate wetland values, www.wetlandprotection.org
- 6- Ulrp.sharif.ir سایت ستاد احیاء دریاچه ارومیه
- 7- UNDP (2001), Partow, H. The Mesopotamian Marshlands: Demise of an ECO-System
- ۸- گزارش مهندسين مشاور يكم درباره مطالعات تراز اکولوژیک دریاچه ارومیه.
- ۹- مطالب مندرج در جراید به نقل از مسئولان ذیربط